

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۲۲، زمستان ۱۳۹۵

## حکمرانان مادی در متون نوآشوری؛ ارائه فهرست جدید از شاهان و حکمرانان مادی<sup>۱</sup>

فربیا زارع<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۳

### چکیده

اطلاعات باستان‌شناسی و تاریخی موجود دربارهٔ مادها در منابع کلاسیک یونانی محدود است. با توجه به تناقضاتی که در این منابع دربارهٔ اسامی و توالی شاهان و حکمرانان مادی وجود دارد - برای مثال «هردوت» از چهار شاه و «کتسیاس» از نه شاه مادی یاد می‌کنند که فقط گفته‌های دو مورخ دربارهٔ شاه آخر با هم هم‌خوانی دارند - در این نوشتار سعی شده است که این اختلافات بر مبنای متون نوآشوری مورد بررسی قرار گیرد. برای نیل به این هدف، از روش «پروسوپوگرافی» (نام تبارشناسی)، یعنی روش مطالعه‌ای که در بردارندهٔ تاریخ سیاسی، اجتماعی، مطالعهٔ نهادهای فرهنگی- اجتماعی و نسب‌شناسی می‌باشد، استفاده شده است. بر اساس آنچه در متون نوآشوری مربوط به سال‌های

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2017.2651

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران؛ faribazare91@alumni.ut.ac.ir

۱۸۵۵-۶۰۰ ق.م آمده، فهرست جدیدی از شاهان و حکمرانان مادی گردآوری شده است که در آن از شش حکمران مادی صحبت می‌شود. سه شاه اول با نامی در ارتباط و مقایسه با دیوکس هرودوت، شاه چهارم در مقایسه با فرورتیش، شاه پنجم اوماکیشر با کیاخارس و ایشتومگو با آستیاگس مقایسه و یکسان‌سازی شده‌اند و موارد مشابه و متناقض بیان گردیده‌اند.

### واژگان کلیدی: ماده‌ها، حکمرانان، متون نوآشوری، متون کلاسیک.

#### مقدمه

تاریخ ماد برهه‌ای از تاریخ ایران است که به دلیل کمبود مدارک و اطلاعات تاریخی و باستان‌شناسی همچنان در ابهام و تاریکی قرار دارد. در سال‌های اخیر توجه محققان و مورخان به این دوره مهم و اثرگذار بیشتر شده است. هم‌اکنون تکیه بر اطلاعات موجود در متون کلاسیک یونانی به تنهایی نمی‌تواند روشنگر مسائل تاریخی ماد باشد، چراکه متون معاصر این دوره، یعنی متون نوآشوری برخی از همین اطلاعات را رد کرده‌اند بنابراین بازنگری‌های جدی در زمینه تاریخ ماد ضروری است. منظور از متون نوآشوری، کتیبه‌های شاهی است که در آن‌ها از لشکرکشی‌های شاهان آشوری، معاهدات یا پیمان‌های شاهی که اسرحدون با چندین شاهک مادی راجع به جانشینی پسرش آشوربانی پال منعقد کرده است، متون پیشگویی‌ها که نتیجه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده برای آینده نزدیک بوده، و نامه‌هایی که در واقع نامه جاسوسان و مأموران دولت آشور به خدمت گزاران داخلی است، به همراه اخبار و پس‌زمینه اطلاعاتی درباره اوضاع سیاسی و نظامی سخن به میان آمده است. این متون به لحاظ زمانی سال‌های ۸۵۵ تا ۶۰۰ ق.م را دربر می‌گیرد.

بررسی صحیح اسامی و توالی شاهان و حکمرانان مادی براساس پرسوپوگرافی نوآشوری صورت گرفته است. استفاده از روش «نام‌تبارشناسی» در زمینه تاریخ ایران بندرت مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. در صورتی که این قسم مطالعات با دیدی جامع از نظر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... قادرند زمینه پژوهشی علمی و بی‌کم‌وکاست

را فراهم کنند. به هر حال، سعی بر آن شده است که این پژوهش آغازی باشد برای مطالعات بیشتر در زمینه تاریخ ماد و آشنایی با توالی شاهان و حکمرانان آن دوره.

### ۱. مختصری درباره شاهان و حکمرانان مادی در متون کلاسیک

منطقه ماد ناحیه‌ای در شمال غرب ایران بوده که در طول تاریخ از نظر جغرافیایی تغییراتی یافته است. مرکز ماد باستانی در کوه‌های زاگرس مرکزی در غرب ایران قرار دارد. با وجود اینکه سطوح اسکان سده‌های هشتم و هفتم قبل از میلاد در همدان (اکباتان) کاملاً مورد کاوش قرار گرفته است، همچنان تفکیک و تعریف یک فرهنگ مادی در آن دشوار است (موری، ۱۹۸۵: ۲؛ براون، ۱۳۸۸: ۱ و ۶؛ Young, 1997: 449). هر چند این ناحیه نقطه کلیدی برای این دوره است، آنچه در آنجا کشف شده به دوران پس از هخامنشیان متعلق است (Genito 2005: 329).

منابع کلاسیک مربوط به مادها از این نظر که ما را در گزینش اطلاعات یاری می‌کنند، دارای اهمیت فراوانی هستند؛ به این معنی که ایرانیان با استفاده از فرهنگ شفاهی در قالب سرود و نقالی، از طریق ارباب حقیقت که همان مغان بودند، حرکات شاهان و خاطره قهرمانان افسانه‌ها را نسل به نسل به جوانانشان، که امانتدار آنها می‌شدند، انتقال می‌دادند (بریان، ۱۳۸۱: ۱۰).

هرودوت مادها را دارای یک نظام پادشاهی می‌داند که از چهار پادشاه ماد، به صورت سلسله‌وار، تشکیل شده است و در کنار آن، کتسیاس، دومین منبع کلاسیک ما، از نُه پادشاه مادی نام می‌برد و تاریخ ماد را از سقوط شاهنشاهی آشور به بعد در نظر می‌گیرد. برخی مورخان این تفاوت آشکار هرودوت و کتسیاس در ارائه نام‌ها و تعداد آن‌ها را در متفاوت بودن منابع آنها می‌دانند. آنچه هرودوت از شاهان مادی آورده است، مختصراً به شرح زیر است:

**دیوکس:** نخستین فرمانروای مادی با این نام آورده شده است (هرودوت، ۱۳۶۶: ۱۸۵). آنچه هرودوت از دیوکس شرح می‌دهد، بیشتر شبیه واقعیتی تاریخی است که تلاش شده است از جنبه داستانی آن کاسته شود اما باز شک برانگیز است. جامعه‌ای که هرودوت از

مادها ارائه می‌دهد، جامعه‌ای گرفتار در رنج بی‌عدالتی و بی‌قانونی است که منتظر منجی برای حل این معضلات است و هر آنچه پیش از این بی‌عدالتی‌ها از دزدی، غارت، حق‌خوری و... وجود داشته است، به‌دست فردی به نام دیوکس از بین می‌رود و او عنوان نخستین فرمانروا را می‌گیرد.

**فرائورتس:** ظاهراً بعد از دیوکس پسرش بنا بر قانون سلطنت به شاهی می‌رسد. برای این نام، هرودوت در تواریخ، سه شخصیت را در نظر گرفته است: ۱. پدر شاه مادی یعنی دیوکس ۲. پسر دیوکس یعنی کسی که بعد از او ۲۲ سال حاکمیت کرد و در نبرد علیه آشور از بین رفت. ۳. مادی شورش‌علیه داریوش اول هخامنشی (DB II 13 Schmitt, 1991: 52 - مخفف انگلیسی کتیبه داریوش اول در بیستون خط - Wiesehofer, 2006: 190).

**کیاخارس:** او سومین شاه مادی بود که همانند پدر بزرگش اصلاحاتی انجام داد. این اصلاحات بیشتر در زمینه سپاه و نظام لشکری بوده است. کیاخارس سیاست پدرش را دنبال کرد و کوشید با ایجاد سپاهی متحد و متشکل، مشکل نظامی ماد را که احتمالاً در جنگ پدرش با آشوریان متوجه آن شده بوده، برطرف کند (هرودوت، ۱۳۳۶: ۱۹۰). کیاخارس همان شاه مادی است که آشور و نینوا را در سال ۶۱۲ ق.م فتح کرد.

**آستیاگس:** مدت سلطنت این فرد که آخرین شاه ماد بود، ۳۵ سال گزارش شده است. به گفته هرودوت «آستیاگ نسبت به مادها بی‌رحم بود» (همان، ۲۱۰)، اما بلافاصله روشن می‌شود که منظور او بی‌رحمی نسبت به اشرافیت مادی است؛ یعنی نسبت به آن‌هایی که در میان مادها ممتازترین افراد بودند (دیاکنف، ۱۳۸۷: ۲۳۴). آستیاگ پدر بزرگ کورش دوم پارسی بود که علیه او وارد جنگ شد و در نهایت کورش توانست با خیانتی که از سوی بزرگان مادی صورت گرفته بود، مادها را شکست دهد (هرودوت، ۱۳۳۶: ۲۱۴). آنچه در تواریخ و کتاب پرسیکا اثر کتسیاس آمده است، خصوصاً جایی که به تولد کورش می‌پردازد، ریشه افسانه‌ای دارد و بیرون کشیدن واقعیت از آن دشوار است.

مدت پادشاهی مادها بر اساس گاه‌شماری هرودوت، یعنی ۵۳ سال سلطنت دیوکس، ۲۲ سال سلطنت فرائورت، ۴۰ سال سلطنت کیاخارس و ۳۵ سال سلطنت آستیاگ، ۱۵۰ سال تخمین زده می‌شود؛ در صورتی که هرودوت طول سلطنت مادها را ۱۲۸ سال دانسته است (هرودوت، ۱۳۳۶: ۲۱۴). کتسیاس از نُه شاه مادی صحبت می‌کند که به مدت ۲۸۲ یا ۳۱۷ سال حاکمیت داشته‌اند (Ctesias, 2008: 149-151).

## ۲. حکمرانان مادی بر اساس پروسوپوگرافی نوآشوری

در پروسوپوگرافی نوآشوری با شش حکمران مادی روبه‌رو می‌شویم. به دلیل اینکه اصل متون آشوری بسیار آشفته و پراکنده هستند و نمی‌توان به‌طور کامل آن‌ها را مورد استفاده و ارجاع قرار داد، پروسوپوگرافی نوآشوری کار را آسان‌تر کرده است. در این متون عنوان «شاه» به معنای مطلق آن یعنی وجود یک سلطنت مطلقه برای این افراد مادی به کار نرفته و تنها به ذکر عنوان «حکمران»، آن هم حکمران جزء بسنده شده است. این موضوع مهم، به نوبه خود، گرایش‌های فکری ما را درباره نحوه حکومت مادها مورد سؤال قرار می‌دهد.

موضوع مورد بحث در اینجا ترتیب و اسامی این حکمرانان است که در پروسوپوگرافی آشوری به استناد برخی منابع اصلی به گونه زیر آمده است:

**Daika, <sup>m</sup>da-i-ka**: یک نام ایرانی است. این اسم را با Daiukku ارتباط می‌دهند و شکل نوشتاری آن نامی شبیه به آن اسم را بازتاب می‌دهد (Fuchs and Schmitt, 2000: 370). در متون دو بار از این فرد نام برده می‌شود: یک بار او را حکمران شهری به نام ساپاردا می‌نامند و بار دوم او را به عنوان حکمران کوربالی می‌بینیم. این حکمران در زمان سارگن دوم، شاه مقتدر آشوری، حاکمیت داشته و به او خراج می‌پرداخته است. در منطقه ماد به دلیل فراوانی اسب، خراج معمولاً بر این حیوان قرار می‌گرفت و از آنجا که آشوریان مردمانی جنگجو بودند، نیاز به اسب را از این مناطق برطرف می‌کردند. از طرف دیگر، چون شاهان آشوری همواره وظیفه تعیین حکمران برای این مناطق را برعهده داشتند و پیوسته به دلیل فشاری که در اثر حملات این قوم به مادها وارد می‌شد، احتمال شورش

وجود داشت، به همین دلیل معمولاً در متون از جابه‌جایی‌های حکمرانان صحبت می‌شود؛ همانند نمونه دیاکو که او را یک‌بار در ساپاردا و بار دیگر در کوربالی می‌بینیم. اگر در اینجا این دیاکو را با دیوکس هرودوت یکی بدانیم، می‌بایست پسرش هم فرائورتس، که در منابع او را کشترتی آشوری می‌نامند، باشد و در واقع این فرد باید بعد از پدر حکمران ساپاردا شده باشد؛ حال آنکه همان‌گونه که در ادامه می‌بینیم کشترتی حکمران منطقه کارکاشی بوده است. پس در واقع ما با یک فرد دیگر سروکار داریم که در ادامه راجع به او بحث می‌شود.

**Daiukku**: ریشه این نام از دهیو «Dahyu» آمده است. این لغت در فارسی باستان به معنای «سرزمین» است (براون، ۱۳۸۸: ۱۲۴). محتمل‌ترین پایه ریشه‌شناسی این کلمه را مبین یک لقب خودمانی یا اسم تصغیری مادی یا پارسی می‌دانند. در کنار این‌ها افرادی مثل کمرون (Cameron, 1936) هم اساساً این نام را هوری می‌دانند. این فرد را یکی از حکمرانان مادی دانسته‌اند که در متون این‌گونه از او یاد شده است: مقرر او دره رودخانه جغتو بوده است، نه منطقه‌ای که آشوریان آن را به معنی محدود کلمه «مادی» می‌نامیدند؛ یعنی دره سفیدرود (دیاکنف، ۱۳۸۷: ۱۶۴). این شخص در زمان روسا، شاه اورارتو، حکمران بوده است. با این توضیح که در مانا، که همواره جزء متحدان آشور به حساب می‌آمد و در مرزی قرار داشت که در واقع حایل این دو قدرت بزرگ بود، فردی به نام الوسونو حکمرانی می‌کرد. روسا برای فشار آوردن به آشور با دیاکو که فردی مادی بود، عهد و پیمان بست و او را تحریک کرد که به مانا حمله کند. روسا نیز در این بین پسر دیاکو را که در منابع نامی از او برده نشده است، به‌عنوان گروگان نزد خود نگه داشت؛ اما چون مانا از متحدان آشور بود، شاه آشور اجازه تجاوز به مانا را نداد. سارگن دوم، شاه آشور، به الوسونو کمک کرد و در نتیجه توطئه‌ای که آن‌ها به کار بسته بودند، سرکوب شد (Fuchs and Schmitt, 2000: 370). در سالنامه سارگن دوم، او والی ساده منطقه‌ای از ماناست و ارتباط آشکاری با هیچ‌یک از سه ایالت مهم شهر مانا، یعنی اویش دیش، زیکیرتو و اندیا ندارد. سارگن، دیاکو را به‌دلیل این شورش و هم‌دستی با شاه اورارتو، که دشمن سرسخت آشوریان بود، دستگیر و به همراه خانواده به حمامات در

شمال سوریه فرستاد و به بیان دیگر تبعید کرد (Grayson, 2008: 95-9; Ibid)؛ زرین کوب، ۱۳۸۷: ۱۰۴). ظهور کوتاه مدت دیاکو در صحنه سیاسی غرب ایران در سال ۷۱۵ ق.م بسیار زودتر از زمانی است که گاه شماری هرودوتی برای پادشاهی دیوک - حدود سالهای ۶۹۹ تا ۶۴۶ ق.م - در نظر می گیرد. بنابراین نمی توان یک فرد مادی را که حکم والی ساده ای را داشته و به مدت کمتر از یک سال حکومت کرده و مقرر او نیز از نظر سیاسی و جغرافیایی با اکباتان فاصله زیادی داشته است، با دیوکس مادی با تاریخچه ای که هرودوت بیان می کند، یکی دانست.

**Dasukku:** <sup>m</sup>da-su-uk-ku: برای این اسم ریشه «-Das-uka» و «Dasauka» را در نظر گرفته اند (Fuchs and Schmitt, 2000: 381). گفته شده که «Uka-» که در آخر اسم آمده است، نشانه ای است در زبان که برای ساختن اسم تصغیر به کار می رود. این اسم از Dasa- ریشه می گیرد که متعلق به اوستای نو است (Ibid). معانی مختلفی برای این اسم در نظر گرفته اند که همگی از ریشه این اسم گرفته می شوند. برای مثال یکی از معانی آن «ملک یا املاک قابل انتقال (منقول)» است که وقتی این ریشه به «Dasuvar» تبدیل می شود، معنی آن به «سلامتی» تغییر می کند و نمونه دیگر در اعداد است. «-Das» به معنی «عدد ده» است و حتی به معنی «ایران» نیز به کار می رود (Ibid).

طبق آنچه در متون آمده است، او فردی عیار و عیاش است که در زمان سارگن دوم، حکمران منطقه شین گی بوتو که یا الی پی در غرب ایران هم مرز ماد بوده است (Ibid). ظاهراً یکی از نمایندگان سارگن به نام مردوک شرآوسور به او در مورد وضعیت ایران و البته نه ماد گزارش می دهد که بعد از انتصاب اشیه برا به عنوان شاه الی پی در سالهای ۷۰۷ و ۷۰۶ ق.م و تثبیت مقام او، که در این زمان رخ داده است، کی بایش و دساکو احتمالاً برای به دست گرفتن دوباره حاکمیت شین گی بوتو یا الی پی از او کمک خواستند؛ اما اشیه برا تمایلی به کمک به آنها نداشت و دلیل آورد که او حاکمیت شین گی بوتو را به دست آورده است و دیگر نیازی به همکاری با آنها ندارد. از طرف دیگر، الی پی به مردوک واگذار شد و به همین دلیل دیگر حاضر به کمک به آنها نبود (Ibid). نامه ای که در آن راجع به این موضوع صحبت شده، تاریخ گذاری نشده است و همچنین، از

دلیل برکناری دساکو از حاکمیت نیز سخنی به میان نیامده است. احتمال می‌رود که دساکو از حکمرانان مناطق ماد بوده است؛ چراکه در متن از سواران او صحبت می‌شود که مسلماً تعداد آنها کم نبوده است. با وجود این، تلاش‌های دساکو برای به‌دست آوردن دوباره شین‌گی‌بوتو بی‌نتیجه ماند (Ibid). یکی دانستن این فرد با دیوکس هرودوت امکان‌پذیر نیست چراکه از او اصلاً به‌عنوان شاه مادی و یا حکمران مناطق مادی یاد نشده است و ظاهراً مدت زمانی هم که او بر شین‌گی‌بوتو حکمرانی می‌کرده، کوتاه بوده است. برایش (Bryce, 2009: 463) معتقد است که نه دیوکس و نه پسرش، فرائورتس، در هیچ‌یک از منابع بدان‌گونه که هرودوت گزارش می‌دهد، به اثبات نرسیده‌اند. درحقیقت، ما با حکمرانان محلی سروکار داریم که مدت کوتاهی از طرف شاه آشوری به این مناطق فرستاده می‌شدند و بعد هم، خواه با دلیل و خواه بی‌دلیل، از حکمرانی برکنار می‌گردیدند. نه از داور و عدالت‌خواهی و نه از ساختن کاخ و انتخاب چشم و گوش‌دگر شده در تواریخ هرودوت خبری نبود.

**Kaštaritu**: ریشه این نام از خشثره «xšasra» گرفته شده است؛ به معنی دارنده پادشاهی و قلمروی شاهی، که در واقع نامی است ایرانی با این اشکال -<sup>m</sup>Ka-as-ta-ti-<sup>m</sup> ta-ri-ti, ti (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۲۳؛ Fuchs and Schmitt, 2000: 608). این نام اگرچه از نظر زبان‌شناسی به‌طور واضح مادی است، در فارسی نیز معادل دارد. خشثریته اسم مصغر است که ita در آن نشانه تصغیر است. معادل فارسی خشثره، خشثه xšaca است، البته با همان معنی (Fuchs and Schmitt, 2000: 608) این شخص اصالتاً مادی بوده است؛ اما در متون او را حکمران یا خاوندشهر کارکاشی در زمان حاکمیت اسرحدون معرفی کرده‌اند. در متون تفألی که از زمان اسرحدون باقی مانده است، در ۲۸ متن، ۱۷ بار در زمینه‌های مختلف نام او آمده است و در شش متن باقی‌مانده اصلاً نامی نیامده است (Medvedskaya, 2002: 50-51). در متون تفألی زمان اسرحدون به این نام برمی‌خوریم و از دل‌نگرانی‌های او درباره این حکمران مادی اطلاع می‌یابیم. در سؤالاتی که اسرحدون از شمش خدای خورشید آشور می‌پرسد، احتمال می‌دهد که حکمران کارکاشی با او وارد جنگ شود؛ به همین دلیل، سؤالات او درباره جنگ، صلح، دفاع،

فرستادن پیک و دیگر روابط دیپلماتیک است (Fuchs and Schmitt, 2000: 608). از زمان سارگن دوم با اوج حملات آشوریان به ماد روبه‌رو هستیم که در زمان اسرحدون از میزان این حملات کاسته می‌شود و تقریباً قدرت ایالات مادی رو به افزایش می‌گذارد. فعالیت‌های نظامی کشتريتو در قسمت‌های خاصی از قلمروی آشور و حملاتش علیه آن‌ها فقط تا مرزهای قلعه‌های کیلمان و کاشی سو بود (Ibid). قلعه کیلمان در مرز بین ساپاردا و هرهر، سوبارا در مرز ساپاردا، سیسیرتو در هرهر و مرز الی‌پی قرار داشتند (Medvedskaya, 2002: 53). کشتريتو با وجود این وضعیت بسیار محتاط عمل کرد؛ زیرا مادها هنوز باهم متحد و هماهنگ نبودند و از طرفی هم اسرحدون همانند سارگن به سرکوب او نپرداخته بود؛ چراکه قدرت مقابله آشور در مقایسه با گذشته کم شده بود. اتفاقاً منابع آشوری از عملیات او به‌عنوان اینکه ایجاد مزاحمت‌هایی در مرز می‌کند، خیر می‌دهند (Fuchs and Schmitt, 2000: 608؛ SAA 4 43: 4, r. 9). کشتريتو در این زمان متحدانی هم داشته است؛ از جمله کیمیریان و ماناها که هم‌اکنون در کنار او قرار گرفته بودند؛ سکاها و دیگر خاوندشهرهای مادی قوی هم در این اتحاد بودند (SAA 4 50: 4).

دوران اسرحدون دورانی است که برخلاف سلطنت سارگن، سالنامه‌ها از اتحاد مادها صحبت می‌کنند و برای جلوگیری از ایجاد و شدت یافتن این اتحاد، حتی اسرحدون به فکر صلح و سازش با کشتريتو هم می‌افتد.

[شمس خدای بزرگ، به من] یک پاسخ محکم بده درباره چیزی که از تو می‌پرسم [! کشتريتو، حکمران شهر کار] کاشی [،] چه کسی [را می‌فرستد به‌عنوان نماینده] [...] به نزد نبوشوما ایشوکون ... می‌گوید [گفت]: آیا کاتبی [هست با تو که بفرستد] پیامی به شاه آشور، بگوید که پیک شاه باید بیاید و [نتیجتاً] یک عهدنامه با [من بسته شود و [...] برود به راه] خودش. [واقعاً] کلمات صلح‌آمیز مستقیم [بفرستد [...]؟] (لوح اکدی، قرن هفتم، نینوا-1 obv: SAA 4, no. 59: 9).

ظاهراً اسرحدون در پی پیدا کردن کلمات صلح‌آمیز برای به‌دست آوردن دل کشتريتو بوده است (ضمیمه 28: Kuhrt 1 2007). متأسفانه تاریخ‌گذاری این سؤالات به‌طور دقیق

۱. SAA 4: الواح متون آشوری هستند که بر اساس شماره در پرسوپوگرافی آشوری به کار برده شده‌اند. در اینجا آن متونی آورده شده‌اند که تاریخ ماد را دربر دارند.

مشخص نشده است تا معلوم شود در چه سال‌هایی مشخصاً ماده‌ها قدرت بیشتری به دست آوردند. این مسئله از طرف دیگر، مانع از شکل‌گیری یک نظام گاه‌شماری دقیق می‌شود (Id, 20). تنها چیزی که مسلم است تلاشی است که کشتريتو در ایجاد اتحاد با گروه‌ها به منظور تهدید آشور انجام می‌دهد.

شمش، خدای بزرگ، مرا پایدار نگه دارد. جواب بدهد به آنچه از او می‌پرسم. از این روز، روز سوم از ماه ایار (May-April) تا یازدهم ماه آب (August-July). این سال، برای این یکصد شب و روز - زمان مقرر برای انجام این پیشگویی - آیا کشتريتو با لشکریانش، یا لشکریان کیمیریان، یا لشکریان ماده‌ها، یا لشکریان مانایی، یا هر دشمن دیگری حمله می‌کنند؟ آیا بر ما فشار می‌آورند، با سپاه فراوان و یا با جنگ؟ به چه وسیله‌ای... حفر تونل‌ها یا پل‌ها، نردبان‌ها و یا تل‌های خاک و ایجاد قحطی؟ یا از طریق مذاکراتی که در آن‌ها نام خدایانشان را ذکر کرده‌اند؟ با تسخیر شهر یا انجام مذاکرات دوستانه، یا تسخیر شهر کیشه سو. آیا وارد آن شهر خواهند شد؟ آیا آن‌ها بر آن غلبه می‌یابند؟ و آیا شهر به آن‌ها تسلیم خواهد شد؟ آیا خداوند بزرگ تو می‌دانی؟ تسخیر این شهر، کیشه سو توسط هر دشمنی، از این روز تا روزی که من قید کردم اتفاق می‌افتد؟ پاسخ گوی و تأیید کن به آنچه خواهد شد؟ پاسخ خدای بزرگ، شمش، چیست؟ آیا کسی آن را می‌بیند یا می‌شنود؟ (لوح اکدی، قرن هفتم؛ نینوا SAA 4, no. 43, obv. 1-14).

در واقع، در این متن از تمام راه‌های تسخیر یک شهر، حتی از پیشنهاد رشوه و مذاکرات صلح‌آمیز صحبت شده است و این نشان از آن دارد که اسرحدون تمام راه‌ها و صورت‌های ممکن را بیان کرده است.

سپاهی که جسارت می‌ورزد و مرکز اداری آشور یعنی کیشه‌سو را محاصره می‌کند، کاملاً با آن نیرویی که در برخورد با جنگندگان شلمنصر یا سارگن دژهایشان را ترک کردند و در کوه‌ها پناه جستند، فرق دارد و شاید این در اثر ارتباطی است که ماده‌ها در مدت یک قرن با آشوریان داشتند و نیز فشار مضاعفی که از سوی آن‌ها متحمل می‌شدند (دیاکنف، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

نتیجه شورش‌های که تقریباً بین سال‌های ۶۷۵-۶۷۳ ق.م اتفاق افتاد و در رأس آن دوسانی، حکمران ساپاردا، مامی تیارشو، حکمران مادها، و کشریتو قرار داشتند، این شد که آشوریان توانستند سلطه خود را بر ایالت بیت‌خامبان، هرهر و کیشه‌سو حفظ کنند؛ اما بر زاموا، پارسوا و مناطق غربی دیگر تسلطی نداشتند (همان، ۱۸۸ از نظر دیاکنف (همان جا)). موفقیت شورش به دلیل داشتن تسلط بر این سه ناحیه و اینکه پادشاهی ماد در این زمان، یعنی سال ۶۲۰ ق.م در حال شکل‌گیری بوده است، کاملاً قطعی نیست؛ اما تحقق کامل این شکل‌گیری به دلیل آمدن سکاها به تعویق افتاده است. درحقیقت، کیشه‌سو که به دست آن‌ها افتاده بود، همان‌طور که پیش از این گفتیم، دوباره تحت سلطه آن‌ها درآمده است. در منابع خط میخی هیچ مدرکی دال بر اینکه آشوریان کشریتو را به عنوان یک مادی می‌شناخته‌اند، وجود ندارد. درمقابل، متون تفرالی پیوسته او را به عنوان «حکمران شهر کارکاشی» توصیف می‌کنند و درواقع با این عنوان است که شخصیت می‌یابد. موقعیت این شهر ناشناخته مانده است؛ اما نام آن به مکانی در «سرزمین کاسی‌ها» دلالت می‌کند (Medvedskaya, 2002: 51). علاوه‌براین، متون تفرالی عموماً سواران کشریتو را از مادها جدا می‌کنند. یکی از متن‌های تفرالی به‌راستی بیان می‌کند که کشریتو به یکی از رهبران مادها نامه‌ای برای اتحاد نوشت (Helm, 1981: 87). در همین زمان، اسرحدون از پنج رهبر مادی نام می‌برد که خراج‌گزاران مستقلی بودند. از این میان سه تن از آن‌ها از شاه آشوری کمک خواستند تا در مشاجره بین آن‌ها دخالت کند (Id, 8) ظاهراً در این سال‌ها هم که برخی از مادها در تلاش برای رسیدن به اتحادی نسبی بودند، هنوز برخی خاوندشهرها کارشکنی می‌کردند (براون ۱۳۸۸: ۱۲۷). هرودوت کشریتو را با فرورتیش یکی نمی‌داند و می‌گوید که این امر پنداری زورکی و ناشی از عدم درک متون تفرالی است. او معتقد است در متون تفرالی هیچ نشانی، جز اینکه خود نام کشریتو ایرانی است، وجود ندارد که دال بر مادی‌بودن او باشد و اینکه او خواستار اتحاد با مامی تیارشو، یکی از شهربانان مادی بوده است، نشان از آن دارد که او عنوان شاه ماد را هم نداشته و تنها در کارکاشی از مناطق ماد حکمرانی می‌کرده است.

**اوماکیشتر:** شکل ایرانی این نام "Uvaxštar" است. در اکدی آن را "U-ak-ša-m" "Ma-ak-tar" و "Uk-sa-tar" و "U-ma-ku-is-tar"، در عیلامی "Ma-ki-is-tur-ri"، "Ma-ak-tar" M-["is-tar-ra خوانده می‌شود-W-،] و در زبان فریگی‌های باستان "Ksuwaksaros" می‌خوانند (Diakonoff, 2000: 478). این نام در بین شاهان مادی در قرن هشتم نیز دو بار آمده است Uaksatar, Ukšatar (به‌عنوان یک شخص مشابه) نام یکی از شاهان و حکمرانانی است که در سال ۷۱۴ ق.م همانند دیگر خواندشهرهای مادی به سارگن دوم باج می‌داده است و او را یکی از چند پادشاه کنار رودخانه «Sa narti» دانسته‌اند که احتمالاً این سرزمین کنار رودخانه همان اکباتان است (Dikonoff, 1993: 478). آنچه در این زمان در منابع آشوری دربارهٔ مادها آورده شده است، همراه با نامی است که به عیلامی آن را مکیشتوری (Makisturi) می‌نامند و این نام در لوحی از نینوا آورده شده است. در آن نامه او را دریافت‌کنندهٔ هدیهٔ بارزش دانسته‌اند که متأسفانه این نامه هم تاریخ‌گذاری نشده است (ibid)

از این **تاریخ** به بعد، آنچه به ما در کنار متون نوآشوری در بازشناسی تاریخ ماد کمک می‌کند، وقایع‌نامهٔ بابلی است. نام کیاخارس در وقایع‌نامهٔ بابلی در قسمت مربوط به سقوط نینوا باعنوان اوماکیشتر و به همراه اومان مندا آمده است (Wiesehofer, 2006: 1035؛ Grayson, 2008: no. 3. II. 29). در اکتبر سال ۶۱۴ ق.م مادها ایالت آشوری آریاخه (کرکوک جدید) را اشغال کردند و بلافاصله بعد از آن تارپیس در قسمت علیای نینوا را در کنار دجله تسخیر و سرانجام به سمت آشور، پایتخت باستانی امپراتوری پانصدساله آن‌ها رفتند و آن را در تابستان سال ۶۱۴ ق.م تصرف کردند (Young, 1997: 448؛ Dikonoff, 2000: 479)

گلاسنر آورده است: «مادها به آشوریان حمله کردند و توانستند شکستی بر آن‌ها وارد آورند. در همین حین سپاه بابلی به کمک مادها آمد که البته به جنگ نرسیدند [...] **در ادامه** هردو نیرو به کشورشان بازگشتند و در نتیجه تارپیس تسخیر شد» (Glassner, 2005: 221). در تسخیر آشور، نبولصمر، شاه بابلی، و سپاهش دیر به میدان رسیدند. نبولصمر نمی‌توانست بیند که امپراتوری آشور به‌دست ایرانیان می‌افتد و بنابراین،

خود را رساند تا از این اوضاع به نفع خود استفاده‌ای ببرد (Cameron, 1936: 216) با رسیدن سپاه بابلی به میدان نبرد در بیرون از شهر اتحادی بین آن‌ها و کیاخارس بسته شد و نتیجه این اتحاد و پیمان، ازدواج آستیگک - پسر کیاخارس - با دختر شاه بابلی، آمیتیس، بود و در نتیجه این امر، در سال ۶۱۲ ق.م مادها به همراه بابلیان، نینوا را (شهری حصین که هنوز هم در مورد چگونگی تسخیر آن کسی چیزی نمی‌داند) محاصره کردند (Oates, 2008: 180). چند ماه این محاصره به طول انجامید و در نهایت نینوا به دست دو نیرو سقوط کرد و شاه آشور، سین شر اوکین، خود را به میان شعله‌های آتش افکند (Rollinger, 2003: 91). در وقایع‌نامه آمده است: «در ماه آب [...]، آن‌ها شکستی بر مردمانی بزرگ وارد آوردند. در این زمان شاه سین شر ایشکون [آشوری مرد؟] آن‌ها شهر را و معبد را غارت کردند و شهر به تل خاکی بزرگی تبدیل شد» (Glassner, 2005: 223). قلمروی اصلی کیاخارس شامل شهر جدید ری در جنوب تهران در غرب، اصفهان در جنوب و ناحیه آتروپاتن جدید آذربایجان در شمال غرب به همراه پایتختش اکباتان، همدان کنونی، بود. در کنار این‌ها پارسوماش و پارس را نیز تحت تسلط خود درآورد. حاکمیت این دو ایالت در اختیار کمبوجیه بود و بنابراین، بیشتر نواحی ایران تحت تابعیت او درآمدند. اگرچه کادوسیان در ناحیه گرم بین البرز و دریای خزر زندگی می‌کردند، سرزمین‌شان را به او تسلیم نکردند (Cameron, 1936: 218). در یکی از متون نبوتی، از اتحاد مادها با عنوان «اومان - مندا» یاد شده است (Liverani, 2003: 8). در متن مشهور دیگری در Jer. 51, 27-28، یک اتحاد سست از اورارتویان، ماناها و سکاها را تحت رهبری «شاهان (در جمع!) ماد» به عنوان تهدیدی احتمالی علیه بابلی‌ها توصیف می‌کند. در جزئیات متن این گونه آمده است: «مهیا کنید ملت‌ها را برای جنگ علیه بابل؛ فراخوان دهید علیه پادشاهی‌ها، اورارتو، مانا، سکاها و نیروی تازه علیه او به کار گیرید؛ اسب‌ها را بیاورید همانند هجوم ملخ‌ها» (Ibid). استفاده جمع برای شاهان ماد نشان می‌دهد که ماد از سوی حکمرانان قبایل اداره می‌شده است و در نتیجه نباید توقع داشته باشیم که عنوانی چون شاه ماد را در متون بینیم. در مورد اینکه آیا اوماکیشر همان کیارخارس هرودوت است، احتمالاً می‌توان آن‌ها را یکی دانست. در کنار گاه‌شماری‌ای که هرودوت ارائه می‌دهد، وقایع سقوط نینوا نیز دلیلی بر تأیید این مسئله

است. دو احتمال در مورد او ماکیشتر وجود دارد: یکی اینکه او قبل از سقوط نینوا واقعاً شاه مادی بوده است که این امر با آمدن عنوان «شاهان مادی» منتفی است؛ یا اینکه تنها برای انجام کاری که در اینجا پایین کشیدن آشوریان بوده، مأموریت داشته است. شاید پیروزی بر آشور زمینه‌ای را فراهم کرده است تا او قابلیت‌های خود را نشان دهد و بتواند بر دیگر قبایل مادی حکمرانی کند و آنها را تحت سلطه خود در آورد. از زمان این حکمران شکل افسانه‌ای تاریخ هرودوت نیز کم‌رنگ‌تر می‌گردد.

**ایشتومگو:** آخرین شاه مادی است که نام او در یونانی Astuages و در بابلی Iš-tu-me-gu است. این اشکال در ایران باستان از Rsti-vaiga گرفته شده و به معنی «پرتاب‌کننده نیزه یا تاب‌دهنده نیزه» به کار رفته است (Schmitt, 1987: 873). آستیگ، پسر کیاخارس و داماد شاه لیدی یعنی کروزس است که با خواهر او (کروزس) ازدواج کرده است. آستیگ، پدر ماندانا و همسر کمبوجیه دوم، و بنابراین پدر بزرگ کورش دوم، یعنی کورش کبیر است که در سال ۵۵۰ ق.م او (آستیگ) را خلع کرد. در مورد ایشتومگو در پرسوپوگرافی نوآشوری چیزی نیامده است و در واقع او را همان شاه مادی می‌دانند که با آستیگ هرودوت یکی بوده است. با این همه، گزارشی معاصر با این وقایع، هرچند به صورت کوتاه، در دو کتیبه بابلی شاه نبونائید آمده است که در آنها اشاره شده است که در سال ۵۵۳-۵۵۲ ق.م (ششمین سال سلطنت نبونائید) سپاه آستیگ شورش کرد و شاه اسیر شد. او را به کورش سپردند و در نتیجه، کوروش او را در سرزمین خود زندانی کرد. با سقوط اکباتان، مادها از رهبری و استقلال خود دور ماندند و زیر سلطه پارسیان رفتند. منابع باستانی چیزی در مورد سلطنت آستیگ بیان نمی‌کنند و بنابراین، قضاوت درباره شخصیت او ناممکن است (Ibid). در مورد اوایل سلطنت آستیگ چیزی نمی‌دانیم؛ اما درباره سقوط او و جنگ‌هایی که با کوروش پارسی داشته، اطلاعاتی در دست است. در کنار این‌ها منابع بابلی هم در این باره سکوت کرده‌اند. وقایع‌نامه بابلی دو گونه اطلاعات در اختیار ما قرار می‌دهد که با گزارش هرودوت یکی هستند: در سال ۶۱۴ ق.م مادها تحت رهبری او ماکیشتر شهرهای پایتخت آشوری را ویران کردند (Liverani, 2003: 5). در سال ۵۵۰ ق.م ارتش مادی تحت

فرماندهی ایشتموگو با پارسی‌ها مقابله کرد و پایتخت مادها، اکباتان، تسخیر شد. در وقایع‌نامه بابلی نبرد بین پارس‌ها و مادها تأیید شده و گفته شده که این حادثه در سال ۵۴۹-۵۵۰ ق.م روی داده است (دیاکنف، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

گزارش موجود درباره جنگ میان کوروش و آستیاگ، همان توصیفات است که در منابع کلاسیک آمده است. البته، در سالنامه نبونائید اسارت ایشتموگو تأیید شده است؛ اما خیانت بزرگان مادی را نه در نبرد اول، بلکه در آخرین نبرد گزارش می‌دهد و به دلیل دست اول بودن این منابع، می‌بایست به اطلاعات موجود در آن‌ها اعتماد کنیم. در سالنامه نبونائید نوشته شده است: «ایشتموگو [...] سپاهیان گرد آورد و علیه کوروش، پادشاه انشان، خروج کرد و سپاه او (یعنی ایشتموگو) شورش کرد. او دستگیر شد و به کوروش [تحويل داده شد]» (علی‌یف، ۱۳۸۸: ۴۱۵؛ بریان، ۱۳۸۱: ۴۷). قبل از آن کتیبه نبونائید درباره خوابی سخن می‌گوید که در آن مردوک، بزرگ‌ترین خدای امپراتوری بابل، به شاه دستور می‌دهد که معبد سین را در حران دوباره بسازد:

مردوک، خدای بزرگ و سین روشنایی آسمان و زمین، هردو ایستاده‌اند [آنجا]. مردوک به من گفت: «نبونائید، شاه بابل، آجرها را به ارباب‌ات بار کن [خودت حمل کن]، معبد ا.هول.هول<sup>۱</sup> را [دوباره] بساز، و بگذار سین، خدای بزرگ، در آن ساکن شود!» من به خدای الیل<sup>۲</sup> [یا الیل خدایان] گفتم: «اومان - مندا در اطراف معبد هستند؛ چیزی که دستور ساختنش را داده‌ای و ممکن است ارتشی عظیم باشند؛ ولی مردوک به من گفت: «اومان - مندا کسانی که از آنان یاد می‌کنی، موجودیت کشورشان، [همه] شاهانشان و اتحادیه‌هایشان به پایان خواهد رسید!» [و در واقع] پس از سه سال، او [مردوک] کوروش، شاه انشان و خدمت‌گزار جوانش را بیافرید؛ کسی که در برابر آنان ایستاد و او [کوروش] با ارتش کوچکش نیروهای پرشمار آنان را از هم پاشید و آستیاگ، شاه اومان - مندا را دستگیر و سپس اسیر کرده و به سرزمین خود آورد. این کار خواست خدای بزرگ، مردوک، بود که فرمانش تغییرناپذیر است (کیناست، ۱۳۸۳: ۲۱۱، ۲۹۸؛ Rollinger, 2003: ۴۷) بریان، ۱۳۸۱: ۴۷»

1. E.hul.hul  
2. Ellil

این متون دو جنبه از قدرت مادها را روشن می‌کنند: کتیبه، خشم سین علیه حران و آتشکده او در ا.هول.هول را بیان می‌کند و در آن از غارت مکان مقدس می‌گویند و نه شهر. در متن گفته شده مادها مسئول ویرانی‌ها بودند و از نبونائید می‌خواهد آن را بازسازی کند (Rollinger, 2003: 298).

## نتیجه

با این اوصاف، در متون نوآشوری می‌بینیم که مادها دارای شش حکمران بوده‌اند که در اوایل تحت نظر شاهان آشوری حکومت می‌کردند. ظاهراً آن‌ها گاه این قابلیت را می‌یافتند که علیه شاه آشوری حرکت‌هایی کنند که البته گاهی با شکست مواجه می‌شدند. در این میان، آنچه اهمیت دارد ارائه فهرستی جدید از این حکمرانان است که تطابق قابل ملاحظه‌ای بین اسامی شاهان و حکمرانان با متون کلاسیک، خصوصاً در مورد شاهان اولیه مادی وجود ندارد. همان‌طور که درباره هریک از حکمرانان اشاره کردیم، سه حکمران اول دست کم تا جایی که متون گزارش می‌دهند، تطابقی با دیوکس هروودوت ندارند؛ اما از کشترتی به بعد، یعنی در دوره سه شاه آخر، با تاریخی یکپارچه‌تر سروکار داریم که امکان تاریخ‌گذاری و ارائه گاه‌شماری بهتری را فراهم می‌کنند. هرچند هنوز هم درباره تطابق کشترتی آشوری و فرورتیشهرودوت شک و گمان‌هایی وجود دارد، اما شکل تاریخی این دوره که مربوط به کشترتی است، دارای نمود بهتری است. این فهرست جدید مطابق با منابع نوآشوری است و از حکمرانان و شاهان مادی صحبت می‌کند که سیر تبدیل حکمرانان جزء به شاهنشاهی در آن قابل مشاهده است. متأسفانه مادها حرکتی را آغاز کردند که خیلی زود به خاموشی گرایید. درنهایت، این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان مادها را دارای یک نظام شاهنشاهی به معنای حکومت مطلقه شاه دانست، یا اینکه باید در این مورد نیز تجدیدنظر کرد. به‌رحال، شکل حکومت مادها به آن وضوح که متون کلاسیک بیان می‌کنند، نمی‌تواند باشد. بنابراین از وجود یک نظام سلطنت مطلقه که در رأس آن یک شاه حاکمیت داشته باشد تا دو شاه آخر ماد - که حتی او ماکیشتر هم بیشتر یک فرمانده به‌نظر می‌آید تا شاه - خبری نیست. ظاهراً آن‌ها شکل ملوک الطوائفی

حاکمیت را در نظر داشته‌اند که آن هم با روی کار آمدن پارس‌ها تغییر یافت. بنابراین در این زمینه امکان تحقیق بیشتری وجود دارد.

**C- Rulers in Western Iran attested in cuneiform sources and previously interpreted as Median kings<sup>1</sup>.**

Name	Reign <sup>۲</sup>	Proposed identification	Notes
1-Daiukku	Before 715 BC	Deioces	حکمران مانایی اولوسو که بعدها شورش کرد علیه سارگن دوم با اتحاد با روسای اورارتویی سپس دستگیر شد توسط سارگن در ۷۱۵ ق.م و به حامات تبعید شد
2-Daiku	Around 716	Deioces	خاوندشهر مادی ساپاردا که به سارگن دوم خراج می داد
3-Dasukku	Ca. 707 – 706	Deioces	حکمران محلی در شین گی بوتو یا الی پی در زمان سارگن دوم
4-Kastaritu	Reign of Asarhaddon 680 – 669 BC	Phraortes	خاوندشهر مادی کار کاشی
5-Umakistar	Ca. 614/612 BC	Cyaxares	شاه اومان مندا که آشور و نینوا را گرفت
6-Istumegu	Ca. 553 or 550	Astyages	شاه اومان مندا که از کورش کبیر شکست خورد

۱. حکمرانان غربی ایران که تایید شده اند در متون میخی و قبلا در متون کلاسیک از آنها با عنوان شاهان مادی نام برده شده بود.

۲. منظور زمانی است که حکمرانان در متون آشوری پدیدار شدند.

## لوح اکدی، قرن هفتم نینوا؛

SAA 4 ,no.56, obv:1-9

- 3 [šá x x x x x x x x-p]i<sup>7</sup>-šá-a-a  
 4 [a-na<sup>md+</sup>AG—MU—GAR-un LÚ.x x x] iš-  
 pu-ra  
 5 [um-ma a-na LÚ.DUB.SAR<sup>2</sup> šá it-ti-ka]  
 qí-bi  
 6 [um-ma ši-pir-ti a-na LUGAL KUR—  
 aš-šur.KI] šup-ra  
 7 [LÚ.A—šip-ri šá LUGAL lil-lik-ma a-de-e  
 it-t]i-ia liš-kun  
 8 [x x x x x-ma a-na KASKAL-ku-u]n  
 al-ka  
 9 [dib-ba GI.NA.MEŠ šá su-lum-mé-e i-na  
 ki-i]t-ti-šú-un

## وقایع نامه بابلی

uru...]-ú a-ba-meš i-ta-am-ru<sup>40</sup>šār Uriki [u érin<sup>me</sup>-šú i<sup>7</sup>-diq-lat bala-ma] <sup>1</sup>U-  
 ml(a-kiš-tar<sup>1</sup> Ra-da)-a-ni ú-še-bir-ma<sup>41</sup>gú i<sup>7</sup>-diq-lat gin<sup>me</sup>-ma [ina<sup>iii</sup>Sig<sub>4</sub> u<sub>4</sub>  
 ...kám i]na ugu Ninua[ki šub]meš<sup>42</sup>ta<sup>iii</sup>Sig<sub>4</sub> en<sup>iii</sup>Ne 3 ta.àm [...] ú<sup>43</sup>šal-tú  
 dan-na-tú ana šà uru dù<sup>su</sup> <sup>iii</sup>Ne [u<sub>4</sub>...kám ŠI.ŠI un<sup>me</sup> glal<sup>me</sup> ma-a-diš gar<sup>an</sup>  
<sup>44</sup>ina u<sub>4</sub>-mi-šú-ma<sup>id</sup>š0-šār-gar<sup>un</sup> šār<sup>kur</sup> Aš-š[ur ug<sup>7</sup> (?)].<sup>45</sup>šil-lat uru u é.kur  
 dugud<sup>iii</sup> iš-tal-lu uru ana du<sub>6</sub> u ka[r-me gur ...]<sup>46</sup>šá<sup>kur</sup> Aš-šur la-pan<sup>lq</sup>kúr  
 iš-bi-ṭam-ma gir<sup>ii</sup> šār Uriki ana din<sup>ii</sup> i[š-bat]<sup>47</sup> <sup>iii</sup>Kin u<sub>4</sub> 20.kám <sup>1</sup>U-ma-kiš-  
 tar u érin<sup>me</sup>-šú ana kur-šú it-tur egir-šú šār Uriki<sup>ki</sup> u érin<sup>me</sup>-šú]<sup>48</sup>a-di  
<sup>uru</sup>Na-ši-bi-ni il-li-ku hu-ub-ti u ga-lu-tu ka-...]<sup>49</sup>u<sup>kur</sup> Ru-ša-pu ana pa-ni  
 šār Uriki ana Ninua<sup>ki</sup> ú-bil-lu-ni ina<sup>iii</sup>[... u<sub>4</sub>...kám<sup>1</sup>An.šār-ú-bal-liṭ]<sup>50</sup>ina  
<sup>uru</sup>Har-ra-nu ana lugal<sup>tu</sup> kur Aš-šur <dù> ina aš.te dúr<sup>ab</sup> en<sup>iii</sup>[... u<sub>4</sub>...kám  
 ...]<sup>51</sup>ina Ninua<sup>ki</sup> [... t]a u<sub>4</sub> 20.kám šá<sup>iii</sup>[...] šār [Uriki(?) ...]<sup>52</sup>is-suḫ-ma ina  
 uru[...]

## منابع و مآخذ

- براون، استوارت (۱۳۸۸). تاریخ ماد و سیر تکامل دولت ماد در تاریخ هخامنشیان. ج ۳. ویراسته: هلن سانسسیسی وردنبورخ و آملی کورت. ترجمه قاسم صنعوی و مرتضی ثاقب‌فر. تهران: توس. ص ۱۱۷-۱۳۹.
- بریان، پیر (۱۳۸۱). امپراتوری هخامنشی. ترجمه ناهید فروغان. تهران: قطره.

- دیاکنف، ا.م. (۱۳۸۷). *تاریخ ماد: مجموعه تاریخ ایران کمبریج*. ج ۲. ویراسته ایلیا گرشویچ. ترجمه بهرام شالگونی. تهران: انتشارات جامی.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۰). *هزاره‌های گمشده در هخامنشیان به روایت دیگر*. ج ۲. تهران: توس.
- زرین‌کوب، روزبه (۱۳۸۷). «بنیان‌گذاری اتحادیه مادها و اهمیت منبع‌شناسی آن». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۱۱۲. صص ۹۹ - ۱۸۵.
- علی‌یف، اقرار (۱۳۸۸). *پادشاهی ماد*. ترجمه کامبیز میربهاء. تهران: ققنوس.
- کتاب مقدس؛ عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه از زبان‌های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی. لندن: بریتیش و فورن بیبل سوساییتی.
- کیناست، بورکهارت (۱۳۸۳). «آنچه امپراتوری ماد خوانده می‌شود». ترجمه کریم علیزاده. *گزارش‌های باستان‌شناسی* (۳). تهران: سازمان میراث فرهنگی. صص-205
- 213
- موری، راجر. ۱۳۷۹. "آنچه ایرانیان به مجموعه آثار فرهنگی هخامنشیان سپردند". ترجمه: کامیار عبدی. اثر. شماره ۳۱ و ۳۲: ۲۴۵-۲۲۸.
- هرودوت. ۱۳۳۶. *تواریخ*. ترجمه هادی هدایتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Baker, Heather D. (Ed.) (2000). **The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire**. Vol. 2. Part. I: H-K, Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Bryce, Trevor. 2009. *The People and Places of Ancient Western Asia*. London: Routledge.
- Cameron, g. (1936). **History of Early Iran**. Chicago: University Chicago Press.
- Ctesias (2009). **History of Persia: Tales of the Orin**. London: Routledge.
- Diakonoff, I. M. (1993). "Cyaxares". pp. 478-479. *In Encyclopedia Iranica*. Vol. 6 Edited by: Ehsan Yarshater. New York: Columbia University.

- Fuchs, A and R. Schmitt (2000). "Daiukku" .p. 370. In Baker, Heather D. (ed.). 2000. *The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire*. Vol. 2. Part I: H-K. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- \_\_\_\_\_ (2000). "Dasukku". p. 381. In Baker, Heather D. (ed.). 2000. *The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire*. Vol. 2. Part I: H-K. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- \_\_\_\_\_ (2000). "Kastaritu". p. 608. In Baker, Heather D. (ed.). 2000. *The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire*. Vol. 2. Part I: H-K. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Genito, Burno (2005). "The Archaeology of the Median Period; an Outline and a Research Prespective". *Iranica Antiqua*. pp. 315-340.
- Glassner, Jean-jacques (2005). *Mesopotamia Chronicles*. Leiden: Boston Brill.
- Helm, P. R. (1981). "Herodotus Medicos Logos and Median History". *Iran*. 19. pp. 85-90.
- Grayson, A. K. (2008). "The Region of Ashurbanipal". pp. 142-162. In Boardman, john. 2008. *The Cambridge Ancient History*. Vol. 3. Part 2: Cambridge University Press.
- Kuhrt, Ameli (2007). *persian empire: A Corpus of sources of the Acheamenid period*, London: Routledge.
- Liverani, Mario (2003). "The Rise and fall of Media". pp. 1-12. In Lanfranchi. Giovanni B., Michael Roaf and Robert Rollinger (eds.) 2003. Continuity of Empire: Assyria, Media, Persia, Papers Delivered at the International Meeting held in Padova, April 26-28. 2001. *History of the Ancient near East Monographs* 5. Padova: S.a.r.g.o.n
- Medvedskaya, I. N. (2002). "Were The Assyrians at Ecbatan?" *The International Journal of Kurdish Studies*. pp. 45-59.
- Oates, Joan (2008). "The Fall of Assyria". pp. 162-189. In Boardman, john. 2008. *The Cambridge Ancient History*. Vol. 3. Part 2: Cambridge University Press.

- Radner, Karen (ed.) (1999). **The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire**. vol. 1. Part II: B-G. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Rollinger, R. (2003). "The Western Expansion of the Median Empire". *A Re-examination*. pp. 289-320. In Ianfranchiet al. 2003b. 289-320. Giovanni B., Michael Roaf, and Robert Rollinger (eds.) 2003, *Continuity of Empire: Assyria, Media, Persia*, Papers Delivered at the International Meeting held in Padova. April 26-28. 2001. **History of the Ancient Near East Monographs 5**. Padova: S.a.r.g.o.n.
- Schmitt, R. (1987). "Astyage". pp. 873-874. **In Encyclopedia Iranica**. Vol. 2. Edited by: Ehsan yarsher. Routledge & Kegan Paul: London.
- \_\_\_\_\_ (1991). "The Bisitun Inscription of Darius the Great Old Persian Text". London: **School of Oriental and African Studies**. pp. 49-79.
- wieshofer, j. (2006). *Media*. pp. 551-552. In **Brill's Encyclopedia of the Ancient Near East**. Vol. 8. Edited by: Christine f. Salazar. Leiden: Brill.
- Young, T. Cuyler Jr. (1997). "Medes," pp. 448-450. In the **Oxford Encyclopedia of Archaeology in the Near East**, vol. 3. Edited by Eric. M. Meyers, Oxford: Oxford University Press.